

« سبک شناسی نسخه خطی انیس الطالبین »

الهه صادقی^۱، قربانعلی ابراهیمی^۲، مهرداد چترایی^۳

چکیده:

آثار ادبی هر ملت، آینه تمام نمای فرهنگ و تمدن آن ملت است که بیانگر عواطف انسانی، مسائل روانی و درونی و نشان دهنده هنرهای کلامی و در نهایت ایجاد روح التذاذ ادبی است. بر این اساس یکی از شیوه‌های توجه به هویت و شناسنامه وجودی جوامع، جمع‌آوری و تدوین نسخ خطی و برنامه‌ریزی دقیق برای شناسایی و معرفی این آثار است. با وجود تلاش‌های بسیاری که در سده اخیر برای معرفی و تصحیح گنجینه غنی ادبیات منظوم و منثور فارسی صورت گرفته است، چه بسا شاعران و نویسندگان توانمندی که هنوز آثارشان در پرده خمول و گمنامی باقی مانده است و این آثار نفیس در گوشه و کنار کتابخانه‌های مختلف در زاویه نسیان و فراموشی است. رساله انیس الطالبین محمد بن محمود فارس، از آثار نفیس دوره صفوی است که تاکنون تصحیح و چاپ نگردیده است؛ بنابراین نگارندگان بر آن شدند تا در این پژوهش، ضمن معرفی این اثر، به بررسی عناصر و مؤلفه‌های سبکی آن بپردازند و درجه اعتبار و اصالت اثر این نویسنده تبیین گردد. بررسی این اثر نشان‌دهنده آن است که محمد بن محمود فارس نویسنده‌ای تواناست و به ساخت و بافت کلام اهمیت زیادی داده است. صورخیال، لغات و مضامین عربی، کنایات، استعارات، مرادفات، تکلفات و تصنیعات که در دیگر آثار و متون این دوره دیده می‌شود، در این اثر نیز به وضوح مشهود است و با توجه به این که تاکنون پژوهشی که به بررسی مؤلفه‌های سبک‌شناختی رساله انیس الطالبین بپردازد، صورت نگرفته است؛ از این رو انجام پژوهش حاضر ضروری است.

واژه‌های کلیدی: نسخه خطی، سبک‌شناسی، دوره صفوی، انیس الطالبین، محمد بن محمود فارس، سده یازدهم.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران elahebaran7181@gmail.com

۲. نویسنده مسئول استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
ghorbanali.ebrahimi33@gmail.com

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران m.chatraei@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

مقدمه

محمد بن محمود فارس از علمای گمنام سده یازدهم هجری است. با وجود همه تلاش‌های صورت گرفته نام و نشانی از وی در تذکره‌ها و کتب تاریخی یافت نشد. براساس اطلاعات رساله انیس‌الطالبین، وی از عارفان صاحب قلم دوره صفویه و از شیعیان دوازده امامی است که ارادت وی به خاندان پیامبر در جای جای رساله وی مشهود است. این نویسنده چیره دست علاوه بر این که در دوران خود در زمینه عرفان سرآمد بوده است، نویسنده‌ای آگاه و عالم بوده که به علوم زمان خود اعم از علوم دینی، جغرافیا، تاریخ، فنون ادبی و ... نیز مسلط بوده است.

یکی از این آثار مخموم‌الذکر و ناآشنای فارس، رساله انیس‌الطالبین است که در زمینه عرفانی به صورت منظوم و مثنوی توسط مؤلفی ناشناس به نام محمد بن محمود فارس تألیف شده است. از این اثر، تاکنون دو نسخه خطی یافت شده است که هر دو نسخه با شماره‌های ۲۹۸۴ و ۲۲۱ در کتابخانه اعظم قم نگهداری می‌شود. باتوجه به این که تا کنون به بررسی علمی و تخصصی رساله انیس‌الطالبین پرداخته نشده است؛ لذا نگارندگان برآنند تا در پژوهش حاضر برای نخستین بار از جنبه‌های مختلف به بررسی سبک‌شناختی رساله مذکور بپردازند.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد نسخ خطی صورت گرفته است. اما نسخه انیس‌الطالبین منسوب به فارس در جرگه آثار نفیسی است که همچنان از نظر اهل ادب به دور مانده است. لذا پژوهش حاضر در نوع خود نخستین گام محسوب می‌شود. بررسی‌ها نشان داده است که علاوه بر رساله انیس‌الطالبین محمد بن محمود فارس، دو رساله هم‌نام دیگر موجود است که البته سوای از رساله حاضر است و تنها تشابه نامی دارند که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است:

۱. صلاح بن مبارک بخاری، کتابی با عنوان انیس‌الطالبین و عده السالکین تألیف نموده است که صاری اوغلی آن را تصحیح نموده است. این اثر تنها تشابه اسمی با انیس‌الطالبین حاضر دارد و اثری است در شرح مناقب خواجه محمد بهاء الدین نقشبند که بر چهار بخش است. (صلاح بن مبارک بخاری، ۱۳۶۹)

۲. صفایی کاتب نیز رساله‌ای با عنوان انیس‌الطالبین، در شرح اصول اعتقادی فرقه نقشبندی و مقامات شیخ بهاء‌الدین نقشبند نگاشته شده است که این اثر از جمله رساله‌های عرفانی ناشناخته است که با نام انیس‌الطالبین معروف است. (آقاحسینی و یلمه‌ها، ۱۳۹۱: ۴۶)

نگاهی به نسخه‌های خطی رساله انیس‌الطالبین

در پیگیری‌های انجام شده از فهرست‌های نسخ خطی، دو دست‌نوشته از رساله انیس‌الطالبین یافت شده است:

۱. نسخه خطی رساله انیس‌الطالبین، که به شماره ۲۹۸۴، در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می‌شود. این نسخه توسط کاتبی ناشناس در قرن یازدهم هجری در ۲۱۱ برگ (۴۲۱ صفحه) به خط نسخ کتابت شده است. در این نسخه

عناوین و تیتراها و آیات و احادیث با قلم شنگرف کتابت شده است. باتوجه به قدمت نسخه؛ نسخه مزبور جامع‌ترین دست‌نوشته از این اثر است.

نسخه با این جمله آغاز می‌شود: " هذا كتاب انيس الطالبين. بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين و صلى الله على سيدنا] و نبينا مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطاهرين.." و با این جمله به پایان می‌رسد: " در خبر است از موسی علیه السلام که در مناجات از الله سبحانه و تعالی...".

۲. نسخه دوم، نسخه‌ای است که به شماره ۲۲۱ در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می‌شود و توسط محمد ابراهیم حسینی در جمادی‌الثانی ۱۲۵۹ به خط نسخ در ۵۷ برگ (۱۱۳ صفحه)، ۳۱ سطری کتابت شده است. این دست‌نوشته دارای رکابه است و در نسخه مذکور عنوان‌ها و سر تیتراها با قلم شنگرف نگارش شده است. این نسخه سوای نسخه ۲۹۸۴ است؛ به عبارت دیگر این نسخه تحریر دیگری از رساله انیس الطالبین است و همخوانی چندانی با آن نسخه ندارد و کمتر عبارتی را در این دو اثر می‌توان یافت که از لحاظ نگارش شبیه باشند.

نسخه با این جمله آغاز می‌شود: " هذا كتاب انيس الطالبين. بسم الله الرحمن الرحيم تصنيف جامع العلوم مولانا شمس‌الدین محمد فارس ... الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ عِتْرَةِ الطَّاهِرِينَ" و با این جمله پایان می‌یابد: "تمام شد کتاب انیس الطالبین من تصنیف جامع العلوم مولانا شمس‌الدین محمد فارسی علی ید الحقیق الفقیه محمد ابراهیم الحسینی به تاریخ غرة شهر جمادی الثانی من شهر سنته ۱۲۵۹"

سبک‌شناسی رساله انیس الطالبین

رساله انیس الطالبین از آثاری است که از دوره صفویه به یادگار مانده است. «نثر فارسی در زمان صفویان در عین رواج و انتشار وافر خود در ایران و هند و ممالک عثمانی، از حیث ادبی وضع خوشی نداشت. با آن که در این دوره آثار مختلفی خلق و کتب متعددی نوشته شده؛ اما از آن جهت که در غالب آثار رعایت موازین لغوی و ادبی و بلاغی نشده است، نمی‌توان این عهد را از لحاظ نثر فارسی دوره بارز و ممتازی شمرد». (صفا، ۱۳۸۵: ۸۷)

محمدتقی بهار در کتاب سبک‌شناسی خویش، این دوره را دوره انحطاط نثر فارسی می‌داند. دوره‌ای که از عصر تیموری آغاز شده و تا عصر صفوی ادامه یافته است.

وی شیوع ترکیبات عربی، به کارگیری عبارات خام، مطابقت دادن صفت و موصوف، استفاده از عبارات وصفی، استخدام سجع‌های متوالی، استفاده از تکلفات بارد(ناموثر)، رواج مترادفات پیاپی، تکرار تعارفات و تملق‌ها و آوردن اشعار سست را، از ویژگی‌های نثر این دوره می‌داند. (بهار، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۴۹)

فرشیدورد ویژگی‌های مثبت و منفی‌ای برای سبک دوره صفوی برمی‌شمارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

ویژگی منفی شامل نفوذ بسیار عناصر عربی در زبان، نفوذ لغات نادرست و عبارات آشفته در زبان و ظهور گونه‌ای سره‌نویسی ناسالم در زبان.

ویژگی مثبت شامل منسوخ شدن واژه‌های کهن و خشن، رواج لغات عامیانه، ساده شدن ساختمان دستوری جمله‌ها و در نتیجه نزدیک شدن زبان آن عصر به زبان امروز. (فرشیدورد، ۱۳۸۶: ۷۱۷)

بررسی آثار این دوره نشان می‌دهد که حکم کلی صاحب‌نظران مبتنی بر فترت و انحطاط نثر در این دوره نمی‌تواند، لزوماً تداعی کننده انحطاط کامل اندیشه در این دوره باشد؛ چراکه باوجود اطناب، ضعف تألیف، وفور لغات و ترکیبات عربی و ... نثر این دوره بازم در بردارنده مسائل اخلاقی، عرفانی و انسانی است که می‌تواند خود روایتگر سبقت دوران فترت نظم و نثر بر دوران انحطاط فرهنگ و اندیشه به حساب آید و چه بسا استعمال کنایات، استعارات، مرادفات، متکلفات و تصنعات در این آثار، برای جذاب‌سازی و تلقین مسائل اخلاقی و آموزنده باشد.

رساله انیس‌الطالبین از جمله آثار عرفانی سده یازدهم هجری است که نویسنده با استفاده از اشعار و شواهد عربی-فارسی، آیات قرآنی، احادیث، اصطلاحات علمی، لغات مهجور، استعارات و تشبیهات مختلف، کلام خود را به شیوه-ای مصنوع با پیرایه ظرایف ادبی و صنایع لفظی آراسته و بنابراین اتخاذ چنین شیوه‌ای در نگارش از آن جهت که نویسنده زحمت اظهار مهارت و هنرنمایی را به خود می‌دهد، قابل توجه است. در این مقاله، نگارندگان رساله انیس-الطالبین را در سه سطح زبانی، بلاغی و فکری مورد بررسی قرار داده‌اند و برای نشان دادن فضای کلی و تحلیل دقیق-تر از منظر مؤلفه‌های سبکی، نمونه‌های برجسته‌تر ارائه کرده‌اند.

سطح زبانی

موسیقی نثر

از نیمه دوم قرن پنجم زمینه‌های تحول در نثر فارسی پدیدار شد و رویکرد به شعر در نثر، نثر فارسی را در این دوره از سادگی بیرون آورد و البته تحت تأثیر زبان عربی و به منظور مقابله و برابری با شعر به سمت نثر متکلف مصنوع سوق داده شد. «از این زمان به بعد در نثر نویسندگان ایران، انگیزه شعرگویی و توجه به موسیقی ایجاد شد و نویسندگان کوشیدند در ساحت‌های گوناگون از آن بهره ببرند. گاه با نقل مستقیم شعر یا شعرهایی از خود و دیگران، گاه با موزون ساختن کلام با قافیه‌های شاعرانه و ایجاد سجع و موازنه و اندک مواردی نیز با ایجاد "هارمونی" و "موسیقی درونی"». (رستگار فسایی، ۱۳۷۳: ۴۵)

به طور کلی هر تناسب و آهنگی راکه ناشی از شیوه ترکیب واژه‌ها، هماهنگی و همسانی صامت‌ها و جز آن باشد، می‌توان موسیقی شعر و نثر به حساب آورد. عناصر موسیقی شامل هر عاملی است که به لحاظ موسیقی خاص خود موجب تمایز زبان معمولی گفتار با زبان شاعر یا نویسنده شود. محمد بن محمود فارس در رساله خود به این مهم توجه نموده؛ البته در بهره‌گیری از موسیقی واژگان جانب اعتدال را رعایت کرده و افراط نکرده است و همین

خصیصه سبب شده که موسیقی به صورت طبیعی در کلام بنشیند. برجسته‌ترین عوامل موسیقی‌زا در این رساله عبارتند از:

موسیقی واژه‌ها

یکی از جنبه‌های موسیقایی در رساله انیس‌الطالبین موسیقی واژه‌هاست. هر شاعر و نویسنده‌ای برای بیان اندیشه‌ها، احساسات، عواطف و ... از ابزار واژه‌ها بهره می‌گیرد و به مدد نیروی واژه‌ها حالات و احساساتش را به دیگران منتقل می‌کند. بنابراین برای اینکه بتواند در خواننده تأثیر عمیقی ایجاد کند؛ ناگزیر باید از تمام امکانات و نیروی واژه‌ها بهره گیرد. (همان: ۴۳)

در رساله انیس‌الطالبین، نویسنده با انتخاب واژه‌هایی با واج‌های مشترک، تکرار واج‌ها، انتخاب واژه‌های هم‌وزن و ... کلام خود را آهنگین و دلنواز کرده است.

سجع پردازی

محمد بن محمود فارس در رساله انیس‌الطالبین از آرایه سجع بهره گرفته است؛ البته در این میدان خود را دچار تکلف و تعقید ننموده است؛ بلکه به صورت طبیعی از این آرایه بهره گرفته است:

تاجی بر سر و دواج کرامت در بر و ردای مغفرت بر دوش و حلقه مشورت در گوش و شراب طهور در نوشانش و همه رنج‌ها فراموش کرده. (۷/ب)

جناس:

جناس از جمله آرایه‌های ادبی است که سبب ایجاد موسیقی در کلام می‌شود. نویسنده در رساله انیس‌الطالبین در حد اعتدال از جناس بهره گرفته است:

صراط تاریک باریک را زیر قدمش آسان کنم (۴/ب)

ملائکه ملأ اعلی بیامدند یک قبضه خاک پاک سفید منور از موضع فردوس اعلی برگرفتند. (۵۹/ب)

هماهنگی واژه‌ها با به کارگیری تضاد

موسیقی نثر تنها محدود به قلمرو صوت‌ها، آواها، تکیه و درنگ واژه‌ها نیست؛ بلکه هرگونه تناظر و تقابلی را چه در حوزه صوت و چه در حوزه واژه در بر می‌گیرد. با این نگرش موسیقی در نتیجه پیوند عناصر مختلف کلام اعم از انواع تضادها، طباق‌ها، تقابل و تناسب به وجود می‌آید. محمد بن محمود فارس توانسته با کاربرد هنری واژه‌های متضاد، موسیقی درونی نثر خود را استحکام بخشد:

علما گویند که خلق آن‌جا حاضر گردند؛ بعضی رویشان سیاه و بعضی رویشان سفید. (۸۴/ب)

از آن، جمله آدم را آفرید؛ بعضی خوب صورت، بعضی زشت صورت، بعضی مسلمان و بعضی کافر و بعضی بدخو و بعضی خوش‌خو، بعضی گبر و بعضی یهود. (۲۰۷/الف)

سطح لغوی

از منظر واژگانی سبک نگارش فارس، سبکی قابل تأمل است و بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از توفیق وی در رساله انیس‌الطالبین به واسطه زبان قوی و غنی و پر امکان اوست. بررسی و تحلیل تک‌تک جملات این اثر، بیانگر آن است که او نویسنده‌ای چیره‌دست و توانا بوده که بر دایره لغات تسلط ویژه‌ای داشته است:

کاربرد لغت در معنی خاص

نویسنده در رساله انیس‌الطالبین پاره‌ای از لغات و اصطلاحات را در معنایی خاص به کار برده است که نمونه‌هایی از این لغات در ذیل آورده شده است:

مهمات: کارها و امور دشوار.

هر که بعد از وضو گرفتن، صلوات بر من فرستد؛ وی را ثواب هفتاد شهید بنویسند و مهمات او را اجابت شود.

(الف/۲۵)

به جای: در حق.

زنان زانیه باشند که به جای شوهران خیانت کرده باشند. (ب/۱۴۱)

گرفت: پرسید، جستجو کرد.

بلوقیا به مادر احوال گرفت. (الف/۱۱۷)

پرسید: عیادت.

یا موسی اگر خواهی نیک‌های تو هم چندان نیکی‌های همه خلایق روی زمین گردانم، به پرسید بیماران بسیار شوی. (ب/۵۱)

بشد: رفت.

از سكرات موت از هوش بشد. (ب/۵۴)

چون این‌ها شنید، هفت شبانه روز عقل از وی بشد. (ب/۵۵)

برآمد: گذشت.

چند روز برآمد. (ب/۱۱۲)

کهن کاربردها

رساله انیس‌الطالبین سرشار از واژه‌ها و ترکیباتی است که روزگاری روایی داشته است؛ اما به مرور زمان از کاربرد آن‌ها کاسته شده و رو به فراموشی نهاده است:

ازرق: کبود.

چشمش ازرق شود. (الف/۱۴۵)

طبقه: مقاربت، جماع.

مادینه که با مادینه طبقه زنند. (الف/۱۹۱)

دراعه: نوعی از جامه مشایخ، بالاپوش.

سمندا برخاست و دراعه مصری بر سر کرد. (ب/۱۹۸)

دعامه: ستون.

در زیر عرش قبه‌ای دیدم بی دعامه که او را نگاه دارد. (الف/۵)

خداوند: صاحب.

زن خداوند خانه است که معرف است. (الف/۱۲۶)

پایگاه: طویله.

گاوی داشت، در پایگاه برد و بیست. (الف/۱۲۵)

عقبه: کنایه از کار سخت و دشوار.

اگر می خواهی از این عقبه خلاص گردی چون امشب شاگرد علف می آورد مخور. (ب/۱۲۵)

قرطاس: کاغذ.

دوات و قلم و قرطاس بیاورید. (الف/۱۲۶)

شوخ: گستاخ.

سگ گفت: چه بی شرم خروسی، دو چشم شوخ داری. (الف/۱۲۶)

یراق: اسباب و وسایل.

از جهت پسر برگ و یراق سفر بساختند. (ب/۱۲۰)

آب دست: وضو. (الف/۲۸)

فرمود که بیاید و آب دست کنید. (الف/۲۸)

اندیشیدن: ترسیدن.

چنین دلیری مکنید و از عذاب حق سبحانه و تعالی بیندیشید. (ب/۱۰۹)

قنطاری: وزنی در حد صد رطل، مجازاً بسیار.

برای او قنطاری از نیکی بنویسند. (ب/۳۹)

طپانچه: سیلی.

شوهرش طپانچه‌ای بر او زد. (ب/۱۵۹)

بلیه: بلا، سختی و گرفتاری.

هرکه از بلیه‌ای ترسد و صد آیه بخواند، از هر جای قرآن که خواهد. (الف/۴۰)

فرض: واجب.

یا رب بر امتان من فرض کردی، آنچه بر امت محمد فرض کردی. (الف/۴۷)
سهمید: ترسید.

مارانی را دیدم در کنار دریای سهمگین، چنانچه از ایشان سهمیدم. (الف/۱۰۶)
مانده: خسته.

هرچند بروی مانده نشوی. (الف/۱۱۵)

کاربرد لغات و ترکیبات عربی

محمد بن محمود فارس در نگارش رساله خود به شیوه رایج زمانه از ترکیبات و لغات عربی بهره گرفته است و با توجه به اینکه موضوع اثر وی عرفانی است؛ بنابراین ناگزیر به استفاده فراوان از عبارات و ترکیبات عربی بوده است و کمتر جمله‌ای را در این رساله می‌توان یافت که لغات و ترکیبات عربی در آن به کار نرفته باشد.
مقرب الحضرة (الف/۵۷)، اطعمه (الف/۸۱)، اشربه (الف/۸۱)، تحمید (الف/۹۶)، تهلیل (الف/۹۶)، بنت (الف/۱۵۹) و ...

برخی از جمع‌های مکسر عربی

دواتین: (الف/۴)، خواتون (الف/۲۷)، شرایف (الف/۵۸)، (الف/۸۷)، (الف/۱۳۶)، شهاد (الف/۱۵۷)، انهار (الف/۲۰۸)، اشجار (الف/۲۰۸) و ...

برخی از جمع‌های عربی با (ات)

واضحات (الف/۳۳)، آیات (الف/۳۶)، محکمات (الف/۳۶)، مشابهاً (الف/۳۶)، عجایبات (الف/۱۲۱) و ...
اصطلاحات عامیانه

در رساله انیس‌الطالبین پاره‌ای از لغات و اصطلاحات به شیوه عامیانه به کار برده شده است؛ که البته این خصیصه متن را از یک دستی خارج کرده است.
فرمون: فرمان.

ایشان را تربیت می‌کرد و پند می‌داد تا فرمون خدای تعالی به جای آورند. (الف/۵۶)
وا: باز.

دهانی واکرده به فراخی از مشرق تا به مغرب. (الف/۱۳۶)

گنده‌لات: اشرار، افراد جسور و بی‌باک.

همه روی زمین از گنده‌لات‌های ایشان در تنگ باشد. (الف/۸۲)
به در افتاده: بیرون افتاده.

زبان‌هاشان از دهن به در افتاده. (الف/۱۴۱)

ترکیب‌سازی

یکی از شگردهای بیانی و زبانی، ساخت ترکیبات زیبا و تازه‌ای است که بیشتر پیامد نیازهای بلاغی و بیانی است. زبان فارسی در میان زبان‌های جهان، به لحاظ امکان ساختن ترکیب در ردیف نیرومندترین زبان‌هاست و «مسأله ساختن ترکیبات خاص، یکی از مسائلی است که هر شاعر و نویسنده‌ای در هر دوره‌ای، در راه آن (گرچه اندک) کوشش کرده است؛ البته شاعران و نویسندگان فارسی زبان در قدرت ترکیب‌سازی یکسان نیستند. همچنین ادوار شعر فارسی به لحاظ توجه گویندگان به ساختن ترکیب‌ها یکسان نیست». (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۶۴). محمد بن محمود فارس از نویسندگانی است که تلاش وافر برای ترکیب‌سازی و آفرینش ترکیبات با بهره‌گیری از زبان فارسی و عربی کرده است. از میان انواع ترکیب، کاربرد ترکیب‌های وصفی مقلوب در رساله انیس الطالبین به وفور مشهود است.

ترکیب وصفی مقلوب

نویسنده، غالب ترکیبات وصفی را به صورت ترکیبات وصفی مقلوب (تقدم صفت بر موصوف) به کار برده است که این ویژگی بسامد بالایی در این اثر دارد:

زیبا مرغ (۱۱۶/ب)، نیکو روی (۱۱۶/ب)، (۱۷۲/ب)، بلند بالا (۱۱۶/ب)، پریشان خاطر (۱۱۷/ب)، زشت روی (۱۲۴/الف)، سیاه ریش (۱۲۴/الف)، مبتلا مرد (۱۷۶/الف) و ...

ساختار دستوری

کاربرد افعال به سیاق دستوری کهن

کاربرد فعل ماضی ساده با افزودن «ب» در آغاز فعل

ای پروردگار من آدم را به ید قدرت خود بیافریدی. (۶۶/ب)
من متحیر در زیر آن درخت بنشستم. (۱۲۹/الف)

کاربرد فعل ماضی استمراری با افزودن «ی» در آخر فعل

آن درخت برگ‌های بسیار داشت و چنان بزرگ بود که هر برگی ده مرد پوشیدندی. (۱۱۹/ب)
در عهد من جوانی بود که همواره در میدان معصیت اسب تاختی و در خرابات هوا با ابلیس پر بلیس دمسازی کردی. (۷/الف)

کاربرد ماضی استمراری با افزودن (همی) در آغاز

سگی را دیدیم که آبستن بود و بچه در شکم او فریاد همی کرد. (۱۲۲/الف)

کاربرد فعل امر با افزودن «می» در آغاز فعل به جای «ب»

خواجه گفت: برو و صلوات می فرست و به روح او صدقه می دهی. (الف/۲۳)

کاربرد فعل امر بدون «ب» در آغاز

به جهت رضای خدای تعالی مرا به پیش مادرم رسان. (الف/۱۶۳)

کاربرد مصدر به جای مضارع التزامی

حضرت رسول (ص) گفت: ای چوب من نمی توانم ایستادن اکنون چه مرادی داری؟ (الف/۳۱)

کاربرد ماضی استمراری به جای مضارع ساده

اگر سخن بکردی، مسلمان می شوی؟ (ب/۲۷)

افعال پیشوندی

یکی از ویژگی های سبکی رساله انیس الطالبین، بسامد بالای افعال پیشوندی در رساله مذکور است:

او را برگرفت و به خانه برد و چراغی برافروخت. (ب/۱۶۳)

روح در جسد وی دردمیدی. (ب/۶۶)

عدم مطابقت افعال

مرا به کاری می برند، تا شب کار می فرماید. (الف/۱۲۵)

ایشان در روز قیامت از شفاعت من محروم باشند و بی نصیب خواهد بود. (الف/۱۶۸)

بررسی حروف و نشانه ها

کاربرد «مر» نشانه مفعولی

رحمان بخشاینده و مهربان است و روزی دهنده مر اهل دنیا است و رحیم بخشنده و آمرزنده مر عاصیان را. (ب/۹)

کاربرد «را» به معنی «برای»

یا موسی تو را منزلت سخن گفتن است و محمد را منزلت دوستی است. (الف/۴۶)

کاربرد «را» به معنی «به»

وصیت می کنم تو را که با هیچ مسلمان این کار نکنی (الف/۶)

کاربرد «را» ی زاید

ای محمّد اشارت کن تا این قفل را گشاده گردد. (ب/۵)

کاربرد «رای» فک اضافه

موسی گفت: یا رب از بندگان کدام را دشمن بزرگ‌ترند؟ (ب/۵۰)

کاربرد «را» به جای «به»

کودکی را گفتم، بیا تا تو را چیزی دهم. (ب/۱۹۰)

کاربرد «اندر» به جای «در»

وقت نماز مؤمنان است که جفتان ما خواهند بود اندر بهشت. (الف/۸)

کاربرد «به» زاید:

سلیمان علیه‌السلام ضمانان را به لعنت کرد. (ب/۱۳۳)

کاربرد «با» به جای «به»

برگ خود با ایشان نمی‌داد. (الف/۶۵)

کاربرد «چون» به جای «چه»

ای ملعون به چه کار آمده‌ای و چون حاجت داری؟

کاربرد «نه» در معنی «نیست»

ای آن که تو را خوف و وفا نه و در فعل تو جور و جفا نه و در قول تو خلف و خطا نه و به رغم تو هیچ چیز را جفا

نه. (ب/۱۲)

ساخت نکره با افزودن «یا» در آخر اسم

درویشی به سوی صاحب حسنی نگریست، از ترکش غیب تیری درآمد. (۱۵۱)

کاربرد حروف ربط مزدوج

یا موسی اگر نه از بهر وجود پاک محمّد صلّ الله علیه و آله بودی نه بهشت آفریدی و نه دوزخ و نه تو که موسی و نه

پیغمبران و نه روز و نه شب و نه آفتاب و نه مهتاب و ملائکتان مقرّب. (ب/۴۵)

یک قبضه خاک از همه جهان رکن عالم بستد و آن خاک هم سفید و هم سرخ و هم سیاه و هم نرم و هم زرد و هم

درشت و هم سخت و هم قیصر و هم بلند و هم جمیل و هم قسی و هم طالح و هم صالح. (ب/۵۹)

کاربرد «نه» منفی ساز در آغاز جمله و با فاصله از فعل

اگر نه از برای خاطر محمّد و امتان او بودی، هیچ چیز نیافریدی. (ب/۵۵)

بررسی ویژگی‌های نحوی

جا به جایی ارکان جمله

تقدیم مسند بر متمم

عقل‌ها حیران است در عظمت او و دل‌ها به آرام است در مشاهده کبریای او و دیده‌ها محجوب است در دنیا از رؤیت او. (۱۲/الف)

تقدیم فعل به متمم

آیا من اولی نیستم به مؤمنان از جان‌های ایشان؟ (۳۴/ب)

تقدیم فعل بر مفعول

دشمن نمی‌دارد علی مگر شقی و بدبخت و دوست نمی‌دارد علی مگر متقی و پرهیزگار. (۳۷/الف)

تقدیم فعل بر مسند

ذات من مثل گنجی بود پنهان. (۲۶/الف)

تقدیم فعل به متمم و مفعول

هدایت می‌کنند مردم را به حق و راستی. (۳۷/ب)

بدار ما را به راه ایمان و موافقت قرآن و متابعت انبیا و یاران (۱۲/الف)

تقدیم فعل به فاعل و مفعول

شما را زنده کند، آن خداوندی که شما را آفریده. (۱۳۸/ب)

تقدیم فعل و فاعل بر متمم

در آن ساعت صد رحمت بر وی بیاید از آسمان. (۱۶۸/الف)

حذف فعل

حذف فعل بدون قرینه

گفت: ای حصین بت را بگذار و به من ایمان آور و خدای را سجده. (۲۷/ب)

حذف فعل به قرینه لفظی

آن روز کافران را سخت دشوار و آن روز آسمان‌ها پاره پاره شود. (۸۴/الف)

کاربرد ضمیر «او» به جای «آن»

در زیر عرش قبه‌ای دیدم بی‌دعامه که او را نگاه دارد. (۵/الف)

آن گاه او مرغ ماده با مرغ نر می‌گفت. (۱۲۹/الف)

کاربرد جملات کوتاه

کاربرد جملات کوتاه سبب زود فهمی و تحرک بیشتر متون می‌شود. این خصیصه به کرات در رساله انیس‌الطالبین کاربرد یافته است که نمونه‌ای از آن در ذیل آورده شده است:

وَاللَّهُ تَعَالَى جَلَّ قَدْرُهُ فَرَمُوهُ كَمَا بَكَشِيدُ يَكُ غَوْسِفَنْدٍ وَبِشْمٍ أَوْ بَغِيرِيْدٍ وَبَرِيْسِيْدٍ وَحَوْأً بَبَافِدٍ وَ أَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَنْ جَبَّهَ بَدُوْزِدٍ وَبِيُوْشِدٍ تَا زَحْمَتٍ غَرْمَا وَ سَرْمَا نَبِيْنِد. (۷۰/الف)

سفید پاکیزه بیاوردند، به او دادند. بلوقیا بستد و بخورد و ایشان را صلوات فرستاد و برفت. (۱۱۵/ب)

کاربرد انواع اضافه

اضافه استعاری

الله نام ملکی است که چتر و زین خورشید از گریبان فلک به مشاطه قدرت برآرد. (۱۰/الف)

اضافه اختصاصی

به برکت شرف محمد چهار چیز خواهی یافت: اول خلعت ربانی (۱۰/ب)

روزی نشسته بودم و پشت بر مسند رسالت باز دادم. (۱۱۷/ب)

اضافه اقترانی

کسی را نظر معرفت بخشید. (۲۰۳/ب)

اضافه تشبیهی

آن گاه که خار اجل بر دامن حیات او درآویخته و مرغ روح از قفس کالبد او بگریخته. (۷/الف)

اضافه بنوت

عبدالله بن عباس ناقد و عامر بن قهر و محمد بن عبدالله علیهم اجمعین همراه وی بودند (۷۲/ب)

سطح بلاغی

با بررسی رساله انیس‌الطالبین می‌توان به این نتیجه رسید که محمد بن محمود فارس از دانش ادبی در سطح بالایی برخوردار بوده است و به انواع فنون و صناعات ادبی آشنایی داشته است و با بهره‌گیری از این فنون در رساله خود کوشیده است تا نثر خود را هنری‌تر جلوه دهد. انواع صورخیال از جمله: تشبیه، استعاره، کنایه، جناس، تضاد، تلمیح، تضمین و ... در این رساله دیده می‌شود که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

تشبیهات

از پربسامدترین صورخیال که در رساله حاضر به کار برده شده است، انواع تشبیه است.

تشبیه ساده

سنگ‌ها در دنیا چون برف گداخته شود و کوه‌های دنیا همچون خاکستر گردد. (ب/۵۲)
منافق در مسجد همچون مرغی است در قفس و مؤمن در مسجد همچون ماهی است در آب. (ب/۱۳۵)

تشبیه مرکب

عبادت فقیر چون گردنبندی است که در گردن نکو رویی باشد. (ب/۱۰۳)

تشبیه تفضیل

هر میوه‌ای هفتاد رنگ باشد شیرین‌تر از قند و نرم‌تر از مشک و خوش‌بوی‌تر از عنبر. (الف/۴۹)
که صراط باریک‌تر از موی سر است و تیزتر از شمشیر است. (ب/۹۶)

تشبیه بلیغ اسنادی

چنان سرو بالایی ماه سیمایی بدید که در بالین او نشسته بود. (ب/۶۲)
صبر گنجی است از گنج‌های بهشت. (ب/۱۷۳)

اضافه تشبیهی

اضافه تشبیهی پرسامدترین نوع تشبیه است :

مرغ روح (الف/۷)، سلطان جان (الف/۷)، بار گناه (الف/۱۰)، تخت کرامت (ب/۱۰)، دیوان اعمال (ب/۱۱)، دریای رحمت (الف/۱۵)، دریای سعادت (الف/۱۵)، گرد مرگ (الف/۱۷)، تیغ جفا (الف/۳۲)، الماس بلا (الف/۳۲)، صومعه تقدیر (الف/۳۲)، شراب رحمت (الف/۳۲)، حمایل تسبیح (الف/۳۲)، آینه اسرار (ب/۲۰۷)، گوهر محبت (الف/۲۰۸) و ...

استعاره

استعاره مصرحه

ماه از گوشه این چرخ لاجوردی به فرمان او برآید (الف/۱۰)
از این سراچه فانی رخت بریست. (ب/۱۰۵)

اضافه استعاری

دامن حیات (الف/۷)، ولایت دل (اضافه استعاری)، گریبان فلک (الف/۱۰)، دامن کبریا (الف/۱۷)، در توبه (الف/۸۹)، جامه شکایت (ب/۱۷۴)، ید قدرت (ب/۲۰۳)، رگ روح (ب/۲۰۷)

تلمیح

یا محمد فتنه‌ای افتاد از نظر زلیخا که بر یوسف کرد. (۱۹۶/ب)

تضمین

یا محمد به تو وحی آمده در آیات یاد کرده که تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَدْلِلُ مَنْ تَشَاءُ یعنی آن کس که خواهد عزیز گرداند و هر که را خواهد ذلیل کند. (۱۹۵/الف)

تضمین به اشعار عطار:

هر آن نقشی که بر صحرا کشیدیم تو زیبا بین که ما زیبا کشیدیم (۲۰۹/الف)

کنایه

کنایه یکی از پرسامدترین آرایه‌های ادبی است که در رساله انیس الطالبین به کار رفته است. برخی از کنایه‌های به کار رفته در رساله مزبور عبارتند از:

چشم روشن گرداندن: کنایه از شاد کردن. (۸۷/الف)، دست کوتاه کردن: کنایه از منصرف شدن (۱۱۱/الف)، دست گرفتن: کنایه از کمک کردن (۱۱۷/الف)، سر خود بگیر: کنایه از این که دنبال کار خودت برو (۱۲۹/الف)، سرخ روی شدن: کنایه از سرفراز شدن (۱۳۲/ب)، دست سخت گرداندن: کنایه از زبر شدن و پینه بستن دست. (۱۶۹/الف)، جامه شکایت پاره کردن: کنایه از رسوایی به بار آوردن (۱۷۴/ب)، لب بر لب نهاد: کنایه از سکوت (۱۷۵/الف)، دعای کسی را به صحرا انداختن: کنایه از اینکه خداوند دعای وی را نپذیرفت (۱۷۵/الف)، تن در ندادن: کنایه از نپذیرفتن. (۲۰۷/الف)

و ...

مجاز

حضرت تبارک و تعالی چون نور حبیب خود به ید قدرت خود بیافرید. (۲۶/ب)

تناسب

بهشتیان گروهی باشند که به علم و حلم و سخاوت و حکمت و ترسکاری و سکون و ورع و نصیحت و مروّت و دیانت و صلاحیت و عافیت آراسته باشند. (۱۹۴/ب)

تنسیق الصفات

به نام خداوند بخشنده و بخشاینده دهنده آمرزنده رهاکننده و رساننده. (۱۲/الف)

حس آمیزی

عاصی بوی بهشت نشنود. (۶۸/ب)

سطح فکری

این رساله همچون غالب متون عرفانی با مناجات و تحمید آغاز می‌شود و نویسنده پس از ستایش خداوند، به نعت پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ [سَيِّدِنَا] وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ. اَمَّا بَعْدُ حَقَّ تَعَالَى جَلَّ قَدْرُهُ بر رسول و آل و اولاد او عليهم عليه السَّلام باد.» (۲/الف)

نویسنده در سبب تألیف کتاب بیان می‌دارد که جمعی از دوستان و یاران درخواست نمودند که به تقریر کتابی بپردازد که به واسطه آن بتوانند به معرفت حق تعالی دست یابند و راهنمای آن‌ها باشد از این رو نویسنده به تألیف رساله حاضر می‌پردازد.

« اما سبب این کتاب آن بود که دوستان و محبّانی که به ایشان در میان بود، درخواست نمودند که ما را کتابی باید که و از آن معرفت الله تعالی حاصل نموده و در طاعت و عبادت اقوام و حسب التماس ایشان بنده ضعیف فارسی الشهر المشهر از کتاب‌های سلف و میزان هر خرمنی خوشی فراهم آورده؛ به دلیل مضمون و کلام پیایی حضرت نبوی و کلام به الهام حضرت قدوه الاوصیا و الاصفیا به علی المرتضی علیه الافضل و الصلوه و اکمل التحیات هفتاد و هفت باب مروب گردانیده و آن را انیس الطالبین و دوستان را انیس و مونس باشد یادآوری فرماید بالله التوفیق و هو الله المستعان. » (۲/الف)

محمد بن محمود فارس از عارفان اهل تشیع بوده که در رساله خود از خاندان عصمت و طهارت به نیکی و احترام یاد می‌کند و در سرتاسر رساله انیس‌الطالبین هر کجا که مجال می‌یابد به سخنان پیامبر اکرم، ائمه و یاران ایشان استشهاد می‌کند؛ در مدح پیامبر اسلام و منقبت اهل بیت و امام علی (ع) می‌گوید:

«مفسران و مؤلفان و سیاحان بحار معنی کلام الله رحمهم الله چنین آورده اند: تمام آیات قران شش هزار و ششصد و شصت آیه است و چهار هزار در وصف و مدح حضرت مصطفی (ص)د علی مرتضی و اهل بیت طیبین و طاهرین است بی خلاف» (۳۱ / ب) به اعتقاد وی سوره عصر در شأن علی نازل شده است و تفسیرش آن است که «سوگند یاد می‌کنم به عصر قیامت که ایشان یعنی دشمنان آل محمد در زیان کاری اند مگر آنها ایمان آورده اند به ابی طالب (ع) و اعمال صالحه کرده اند به اعانت و رعایت برادران خود کرده اند.» (همان)

اخلاقیات، حکمت و پند و اندرز در فحاوی رساله مانحن فیه منعکس است:

«..... ابو سلمان رحمت الله فرمود که نفس زدن درویشی در وقت آرزویی که بدان قادر نباشد فاضل تر از عبادت توانگری است که هزار سال عمر به طاعت و عبادت خدای تعالی جلّ جلاله گذرانیده باشد.» (۲۴/ب) در ذمّ حسد به حدیثی از پیامبر استناد می‌کند و می‌گوید: «آورده اند که رسول الله صل الله علیه و آله فرموده حذر کنید و بپرهیزید از حسد چه به درستی که حسد نیکویی ها را می‌خورد، همچنان که آتش هیمه می‌خورد و آن حضرت علیه السلام

فرمود که باهم نیکویی ها بکنید و دشمنی مکنید و همچون برادران باشید و حلال نیست بر مسلمانان که زیاده از سه شبان روز بایکدیگر خشم بگیرند.» (۴۹/ب)

. محمد بن محمود فارس با عارفان بزرگ و سخنان و اندیشه‌های آنان آشنایی کامل داشته است و در تبیین مفاهیم عرفانی به اقوال عارفانی مانند جنید بغدادی، شبلی، یاقوت حموی و ... استناد کرده و آرای این عارفان را برشمرده است. اصطلاحات عرفانی مانند ولایت ، سماع ، رند ، محو ، خوف ، رجا ، خال ، ذکر ، محبت ، معرفت و سلوک بر رساله انیس الطالبین سایه افکنده است.

در فضیلت ذکر «لا اله الا الله می آورد:» خدای تعالی جلّ جلاله فرمود که در قیامت سعادت‌مندتر نزد من کسی باشد که ذکر «لا اله الا الله از سر اخلاص مداومت کرده باشد و به این کلمه هیچ گناه در دیوان او نگذارم.» (۳/ب) در بیان رعایت اعتدال در خوف و رجا نقل میکند: «هرکه در دنیا از حق تعالی می ترسد وی در قیامت ایمن باشد از عذاب و هرکه در دنیا ایمن بود وی را عذاب کنند و گفته اند که هر دل که از خدای تعالی خوف نداشته باشد خراب شود ، و نشان خوف از خدا سه چیز است؛ کم خوردن و کم خفتن و دنیا خوار داشتن امیرالمؤمنین وی را دیدم که از بسیاری گناه خود را از رحمت خدای تعالی ناامید کرده حضرت فرمود که نومید مباش که رحمت الله تعالی از گناه تو بیشتر است.» (۴۹/ب)

صاحب رساله انیس الطالبین بابیان حکایتی مداومت در معرفت را سبب کشف حقیقت می داند: «صالح مردی را گفت : که که مداومت کند بر در زدن آخر دری بروی بگشایند» (۶/ب)

از اندیشه های زاهدانه وی می توان به ذمّ دنیا اشاره کرد که با استناد به حدیث موتوا قبل ان تموتوا می آورد: «مرگ را فراموش نکنید و پیش از مردن بمیرید اگر عمر طلبی بیش از لقمان نخواهی یافت که سال عمر یافت و آخر بمرد و اگر ملک طلبی بیش از سلیمان کسی را نبود.» (۵۶/ب)

نویسنده در تبیین مفاهیم عرفانی به آیات و احادیث و سخنان عرفای بزرگ استشهد می کند و به مخاطب خود گوشزد می کند که کلام وی برگرفته منابع موثق و مورد اعتماد است و آنچه بیان داشته سخنان بزرگان مذهب است و سلیقه و نظر شخصی وی در آن دخیل نبوده است :

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ وَ تَعَالَى وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا إِلَى آخِرِهِ»؛ یعنی حق تعالی می فرماید که مر حضرت خدای را نام های نیکوست. بدان نام های نیکو بخوانید و یاد کنید و چنین معانی کلام بیعت لاریب که مر حضرت عزّت را هزار نام است. هزار از آن آفریدگار عالم جلّ جلاله داند و کسی دیگر نداند و هزاران از آن در لوح محفوظ است که و کسی دیگر نداند و هزاران از آن فرشتگان داند و کسی دیگر نداند و هزار مردمان خلق است. سیصد در تورات است و سیصد در انجیل است و سیصد در زبور است و صد در قرآن است که نود و نه ظاهر است و یکی پنهان است. پس از عهده امر فادعوه چون بیرون آییم عالمان مشفقان امت و هادیان طریق دین و ملت گفته اند که هرکه بگوید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» همچنان باشد که حق تعالی را به جمیع

اسماء حسنی یاد کرده باشد و حدیثی که در باب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است از انس بن مالک عن نبی صلی الله علیه و آله إِنَّهُ قَالَ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَامَ السَّحَابُ نَحْوَ الْمَشْرِقِ وَ هَدَايَتِ الرِّيحِ نَحْوَ [ب/۳] الْمَغْرِبِ وَ سَكَتَتِ الْأَمْوَاجُ وَ زَحَمَتِ الشَّيَاطِينُ وَ أَصْفَتِ الْوُحُوشُ أَذَانَهَا وَ قَسَمَ رَبِّي بِعِزَّتِهِ مَا ذَكَرْتُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا بَارَكْتُ فِيهِ وَ مَا لَقَيْتَنِي عَبْدًا بِقِرَاءَتِ الْأَرْضِ وَ هُوَ جَلَّ أْنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِلَّا غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوبَهُ صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَا يَدْخُلُ أَحَدٌ بَيْنَكُمْ الْجَنَّةَ إِلَّا بِجَوَازِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَرْجَمَهُ.....» حضرت مصطفی (ص) معلای مزکی مهدی می فرماید که چون مشرقین و مغربین و ملک کونین خواست که بنده ای را عطای دهد و خلعتی پوشاند که فرد اقبال آن بر تناطع و مبادی ابتدا و انتهای احوال او ظاهر گردد و یمن و برکت آن تواریخ روزگار او شود، بی لب و بی دندان بی واسطه و بی ترجمان به قدرت بی آلت بی جارحه گفت بسم الله الرحمن الرحيم چون پای بسم الله به میم رحیم پیوست، از آن-جا که مبدأ این هفت قبه فیروزه رنگین است تا آن جا که مقطع این هفت بساط ممهد است و از آن جا که ممر صباست تا آن-جا که مهبط جنوب است، هرچه در عالم نام هستی دارد، حامد و جامد را کد و هامد ساکن و متحرک مقدسان مقربان آدمی و شیطان جن و انس و وحوش و سباع بیابان چون حلاوت نام ملک تعالی به ایشان رسید. (۴/ الف)

عرفان محمدبن محمود فارس بر پایه شریعت استوار است. صاحب انیس‌الطالبین تمرّد از شریعت را خلاف ادب و سبب گمراهی می‌داند و اذعان می‌دارد که پیروی از شریعت سبب سعادت دنیوی و اخروی انسان می‌شود؛ وی همچنین رعایت آداب شریعت را در امور عادی زندگی ضروری می‌داند؛ از آن جمله برای دعا کردن، ذبح جانوران، غذا خوردن و ... آدابی را بر می‌شمارد و رعایت آن‌ها را لازم می‌داند. (۴/ الف)

اسلام دین کاملی است که تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان‌ها را مورد توجه قرار داده و به پیروان خود در این زمینه رهنمودهای سازنده ای داده است. رعایت اعتدال، دست کشیدن از غذا قبل از احساس سیری، نخوردن آب در بین غذا، در آوردن کفش‌ها هنگام خوردن غذا، نشسته غذا خوردن و نخوابیدن بلافاصله بعد از غذا از آداب غذا خوردن و شیوه زندگی سالم در اسلام است که در ضمن سخنان بزرگان دین به آن اشاره شده است. شمس‌الدین فارس در رساله خود به تأسی از سخنان بزرگان دین، آداب غذا خوردن را بر می‌شمارد و مخاطبان خود را به رعایت این آداب فرا می‌خواند:

«اول به نیت طعام خوردن؛ دوم در اول «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» گوید؛ سوم در طعام خوردن «الحمد لله رب العالمین» بگوید و ...» (۱۷۰/ب) در جای دیگر می‌آورد:

«یا موسی چون محمد (ص) دریابند و به وی ایمان پیغمبر من محمد صلّ الله علیه و آله آورد و شریعت او کار کند از وی سختی جان‌کندن بردارم و سؤال منکر و نکیر بر وی آسان گردانم و از بوستان‌های بهشت دری در قبرش واکنم.» (۴۶/ب)

بررسی رساله انیس الطالبین نشان می‌دهد که نویسنده به قضا و قدر اعتقاد تام دارد و منکران قضا و قدر الهی را کافر خطاب می‌کند:

«آن گاه فرمود: ایها الناس بدانید که آنچه خدای تعالی جلّ جلاله تقدیر فرموده است و بدان قضا رفته تبدیل آن ممکن نیست. هرکس که بدین اعتقاد ندارد و ایمان نیاورد از جمله کافران است.» (الف/۱۳۳)

محمد فارسی، باب هایی از نوشته خود را به تبیین اهمیت احکام نماز، زکات، حج و جهاد اختصاص داده است: «پیغمبر صلّ الله علیه آله فرموده که چهار چیز به چهار چیز محکم کنید؛ اول ایمان را به نماز و مال را به زکات و علم را به نوشتن و تندرستی به صدقه.» (ب/۳۴)

«رسول الله صلّ الله علیه فرمود که هرکه حج بکند و دروغ نگوید و خائن و سخن چین نباشد چنان از گناه پاک شود که از مادر زائیده باشد.» (ب/۲۷)

«مردی به خدمت رسول الله آمد و گفت: مال دارم به چه صرف کنمتا ثواب غازیابیم. گفت: چند داری؟ گفت: شش هزار دینار. رسول الله صلّ الله علیه فرمود در راه خدای تعالی صرف جهاد کن که خواب غازیان در راه غزا بهتر از هزار ساله عبادت است.» (ب/۳۷)

وی همچنین با سخن‌سرایان بزرگ زبان فارسی آشنا بوده و در ضمن رساله خود به سخنان آنان نظر داشته است: اشعار عطار:

هر آن نقشی که بر صحرا کشیدیم تو زیبا بین که ما زیبا کشیدیم
فرستادیم آدم [را] به عالم جمال خویش بر صحرا نهادیم
جمال ما بین زین سرّ پنهان که پنهان بود و ما پیدا نهادیم (الف/۲۰۹)

فارس همچنین با فنون شاعری آشنا بوده است و در بخش هایی از رساله خود برای تبیین بهتر کلام، اشعاری از خود را ذکر می‌کند:

آن را که اطاعت محمد باشد گنجش ز قناعت محمد باشد
گر هست امید راحتی عاصی را آن هم ز شفاعت محمد باشد
(الف/۲۳)

نتیجه گیری

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که:

۱- با وجود تلاش‌های صورت گرفته هنوز بخش عظیمی از گنجینه غنی نسخ خطی عرفانی ناشناخته مانده است.

۲- محمد بن محمود فارس، از عرفا و مرتاضین فرقه صوفیان بوده که علاوه بر عرفان، در فنون نویسندگی نیز سرآمد بوده است.

۳- رساله انیس‌الطالبین از جمله آثار عرفانی دوره صفویه است که با نثری فنی نوشته شده است و نویسنده با استفاده از سجع، به کار بردن اشعار و شواهد عربی- فارسی، آیات قرآنی، احادیث، اصطلاحات علمی، لغات مهجور، استعارات و تشبیهات مختلف، کلام خود را به شیوه‌ای مصنوع با پیرایه ظرایف ادبی و صنایع لفظی آراسته و بنابراین اتخاذ چنین شیوه‌ای در نگارش از آن جهت که نویسنده زحمت اظهار مهارت و هنرنمایی را به خود می‌دهد، قابل توجه است.

۴- از منظر واژگانی سبک نگارش محمد بن فارس، سبکی قابل تأمل است و بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از توفیق وی در رساله انیس‌الطالبین به واسطه زبان قوی و غنی و پر امکان اوست. بررسی و تحلیل تک‌تک جملات این اثر، بیانگر آن است که او نویسنده‌ای چیره‌دست و توانا بوده که بر دایره لغات تسلط ویژه‌ای داشته است.

۵- آنچه فارس را در زمره نویسندگان متوسط معرفی می‌کند؛ علاوه بر تسلط وی بر دایره لغات، استفاده از موسیقی قوام یافته‌ای است که در رساله انیس‌الطالبین، به طور گسترده در جان کلام می‌نشیند.

۶- یکی از شگردهای بیانی و زبانی، ساخت ترکیبات زیبا و تازه‌ای است که بیشتر پیامد نیازهای بلاغی و بیانی است. زبان فارسی در میان زبان‌های جهان، به لحاظ امکان ساختن ترکیب در ردیف نیرومندترین زبان‌هاست و مسأله ساختن ترکیبات خاص، یکی از مسائلی است که هر شاعر و نویسنده‌ای در هر دوره‌ای، در راه آن (گرچه اندک) کوشش کرده است؛ البته شاعران و نویسندگان فارسی زبان در قدرت ترکیب‌سازی یکسان نیستند. همچنین ادوار شعر فارسی به لحاظ توجه گویندگان به ساختن ترکیب‌ها یکسان نیست. محمد بن محمود فارس از نویسندگانی است که تلاش وافر برای ترکیب‌سازی و آفرینش ترکیبات بکر و نوآورانه با بهره‌گیری از زبان فارسی و عربی کرده است و پاره‌ای ترکیبات بدیع را خلق نموده است.

۷- بهره‌گیری بیش از حد از لغات و ترکیبات عربی، فهم این رساله را برای خواننده دیریاب کرده و ملال خاطر خواننده را در پی دارد.

۸- با بررسی رساله انیس‌الطالبین می‌توان به این نتیجه رسید که شمس‌الدین فارس به انواع فنون و صناعات ادبی آشنایی داشته و با بهره‌گیری از این فنون در رساله خود کوشیده است تا نثر خود را هنری‌تر جلوه دهد. انواع صورخیال از جمله: تشبیه، استعاره، کنایه، جناس، تضاد، تلمیح، تضمین و ... در این رساله دیده می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتابنامه

۱. ابهار، ملک الشعراء، (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی نثر، تهران: امیرکبیر.
۲. خطیبی، حسین، (۱۳۷۵)، فن نثر در ادب فارسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار.

۳. درایتی، مصطفی، (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۴. ----- ، (۱۳۸۹)، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، تهران: سازمان چاپ و انتشارات مجلس شورای اسلامی.
۵. رستگار فسایی، منصور، (۱۳۷۳)، انواع شعر فارسی، شیراز: انتشارات نوید.
۶. سمیعی گیلانی، احمد، (۱۳۷۶)، واژه‌های فریبکار، نامه فرهنگستان، شماره یازدهم.
۷. شفیع کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، (۱۳۷۶)، تهران: نشر آگاه.
۸. شمیسا، سیروس ، (۱۳۸۶)، انواع ادبی، تهران: انتشارات میترا.
۹. ----- ، (۱۳۸۹)، سبک‌شناسی نثر، چاپ دهم، تهران: نشر میترا.
۱۰. صفا، ذبیح الله، (۱۳۸۵)، مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۱. صلاح بن مبارک بخاری، (۱۳۶۹)، انیس‌الطالبین و عده السالکین، تصحیح خلیل ابراهیم صاری اوغلی، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۱۲. فارس، محمد بن محمود، نسخه خطی رساله انیس‌الطالبین، به شماره ۲۹۸۴، قم: کتابخانه مسجد اعظم قم.
۱۳. ----- ، به شماره ۲۲۱، قم: کتابخانه مسجد اعظم قم.
۱۴. فدایی، غلامرضا، (۱۳۸۶)، آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب، تهران: سمت.
۱۵. فرشیدورد، خسرو، (۱۳۸۰)، لغت سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۶. مایل هروی، نجیب، (۱۳۶۹)، نقد و تصحیح متون، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۷. منزوی، احمد، (۱۳۴۹)، فهرست نسخ خطی فارسی، تهران: مؤسسه فرهنگی - منطقه‌ای.
۱۸. نفیسی، سعید، (۱۳۶۳)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران: فروغی .
۱۹. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد، (۱۳۷۶) ، دیوان عطار به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، چاپ دوم، انتشارات نگاه
۲۰. محمدی، محمدحسین، (۱۴۰۱)، بلاغت: معانی، بیان و بدیع، چاپ پنجم، نشر زوار